

## بسم الله الرحمن الرحيم

تاریخ: 89/11/26

موضوع: شستن دست در وضو از دیدگاه شیعه و سنی (5)

اعوذ بالله من الشيطان الرجيم بسم الله الرحمن الرحيم و به نستعين و هو خير ناصر و معين الحمد لله و الصلاة على رسول الله و على آله آل الله لا سيما على مولانا بقرية الله و اللعن الدائم على أعدائهم أعداء الله الى يوم لقاء الله الحمد لله الذي هدانا لهذا و ما كنا لنهتدى لولا أن هدانا الله

ما عصاره آنچه در این جلسات متعدد از ابتدای سال جاری بحث داشتیم تمام مباحث مربوط به وضو را در یک جلسه خلاصه می‌کنیم.

در مسئله وضو، عمدتاً محور اختلاف ما در رابطه با مسح پا، شستن پا، شستن دست از انگشتان به طرف آرنج یا از آرنج به سمت انگشتان می‌باشد.

ما با توجه به روایاتی که آقایان اهل سنت دارند عرض کردیم در کتاب «صحیح بخاری» و «مسلم» از قول صحابه نقل می‌کنند که ما وضو می‌گرفتیم؛

«فَجَعَلْنَا نَمْسُحُ عَلَى أَرْجُلِنَا»

و پاهایمان را مسح می‌کشیدیم.

الجامع الصحیح المختصر، اسم المؤلف: محمد بن إسماعیل أبو عبدالله البخاری الجعفی، دار النشر: دار ابن کثیر،

الیمامة - بیروت - 1407 - 1987، الطبعة: الثالثة، تحقیق: د. مصطفی دیب البغا، ج 1، ص 33، ح 60

عرض کردیم این در دو جای کتاب «صحیح بخاری» و یک جای «صحیح مسلم» جلد اول صفحه 148، حدیث 460 آمده است.

نکته دوم این است که علمای اهل سنت وضوی جبرئیل را با سند صحیح نقل کرده‌اند. که جبرئیل روز اول، وضو گرفتن را به نبی گرامی اسلام آموزش دارد و دارند که:

### «ومسح برأسه وغسل رجليه إلى الكعبين»

جبرئیل به هنگام آموزش وضو سر و پایش را تا کعبین (بر آمدگی پا) مسح کشید.

سبل الهدی والرشاد فی سیرة خیر العباد، اسم المؤلف: محمد بن یوسف الصالحی الشامی، دار النشر: دار الکتب العلمیة - بیروت - 1414 هـ، الطبعة: الأولى، تحقیق: عادل أحمد عبد الموجود وعلی محمد معوض، ج 2، ص 296، الباب الثامن عشر فی شهادة الرضیع

«ذهبی» در کتاب «تاریخ الإسلام» جلد اول صفحه 73 و آقای «صالحی شامی» در کتاب «سبل الهدی و الرشاد» جلد 2 صفحه 296 این روایت را نقل می کنند و می گویند: روایت صحیح است.

در سنت نبی گرامی اسلام آمده است:

### «لا تتم صلاة أحد حتى يسبغ الوضوء كما أمره الله عز وجل يغسل وجهه ويديه إلى المرفقين»

نماز کسی کامل نیست، مگر اینکه وضوی کامل بگیرد همانطور که خدا دستور داده است صورت و دستانش را تا مرفق بشوید.

### «ويمسح رأسه ورجله إلى الكعبين»

و پایش را تا بر آمدگی پا مسح بکشد.

«حاکم نیشابوری» می‌گوید:

«هذا حديث صحيح على شرط الشيخين»

المستدرک علی الصحیحین، اسم المؤلف: محمد بن عبدالله أبو عبدالله الحاکم النیسابوری، دار النشر: دار الکتب

العلمیة - بیروت - 1411 هـ - 1990 م، الطبعة: الأولى، تحقیق: مصطفی عبد القادر عطا، ج 1، ص 368، ح 881

و «ذهبی» هم می‌گوید: روایت صحیح است. وضوی نبی گرامی اسلام که سیره پیغمبر اکرم است با روایتی از

امیرالمؤمنین بیان شده است که فرمودند:

«مسح علی ظهورهما»

نبی اکرم بر روی دو پاهایش دست کشید.

المسند، اسم المؤلف: عبدالله بن الزبیر أبو بکر الحمیدی، دار النشر: دار الکتب العلمیة، مكتبة المتنبی - بیروت،

القاهرة، تحقیق: حبیب الرحمن الأعظمی، ج 1، ص 26، ح 47

«ابن حجر» در «تلخیص الحبیر» جلد 2 صفحه 392 می‌گوید: روایت صحیح است. وضوی پیغمبر اکرم با

روایت عثمان که می‌گوید:

«وَمَسَحَ بِرَأْسِهِ وَظَهْرَ قَدَمَيْهِ»

مسند الإمام أحمد بن حنبل، اسم المؤلف: أحمد بن حنبل أبو عبدالله الشیبانی، دار النشر: مؤسسة قرطبة - مصر،

ج 1، ص 58، ح 415

در کتاب «مجمع الزوائد» اثر «هیثمی» جلد 1 صفحه 224 وارد شده است که این روایت صحیح است. وضوی پیغمبر اکرم با روایت «عماد بن تمیم» در کتاب «الإصابة» جلد اول صفحه 185 وارد شده است و می‌گوید: روایاتش همگی ثقه هستند.

ما چندین روایت خواندیم که سیره نبی اکرم را در وضو مشخص می‌کرد و مشخص شد که پیغمبر اکرم در هنگام وضو پای مبارکشان را مسح می‌کشیدند.

آقای «ابن حجر عسقلانی» در کتاب «تلخیص الحبیر» جلد 2 صفحه 392 وضوی امیرالمؤمنین را با سند صحیح نقل می‌کند و می‌گوید: علی ابن ابی طالب هنگام وضو گرفتن پایشان را مسح می‌کشیدند.

در کتاب «مسند احمد» جلد 1 صفحه 158 و «تفسیر طبری» جلد 6 صفحه 64 وضوی امیرالمؤمنین را نقل می‌کند و می‌گوید: علی بن ابی طالب هنگام وضو گرفتن پایشان را مسح می‌کشیدند.

آقای «هیثمی» در «مجمع الزوائد» جلد 1 صفحه 224 وضوی عثمان را نقل می‌کند و در روایتی که راویان آن ثقه هستند، می‌گوید: عثمان پایش را مسح می‌کشید. همچنین روایاتی بیان شد مبنی بر اینکه «ابن عباس» همیشه می‌گفت:

### «نزل القرآن بغسلین ومسحین»

قرآن به دو شستشو و دو مسح نازل شده است.

المبسوط، اسم المؤلف: شمس الدین السرخسی، دار النشر: دار المعرفة - بیروت، ج 1، ص 8، باب ثم إنه بدأ

بکتاب الصلاة

این دو شستشو، شستشوی صورت و دست و دو مسح، مسح سر و پا است. دو تن از فقهای نامی «حنفی‌ها» و «حنبل‌ها» این روایت را نقل کرده‌اند. «سرخسی» در «المبسوط» جلد اول، صفحه 8، از احناف و «ابن قدامه» در کتاب «المغنی» جلد اول صفحه 120 از حنابله این روایت را نقل کرده‌اند.

وضوی «انس بن مالک» صحابی و خادم نبی گرامی اسلام با سند صحیح در کتاب «تفسیر ابن کثیر» جلد 2 صفحه 27 آمده و گفته شده که او پایش را مسح می‌کشید.

در کتاب «مسند أحمد بن حنبل» جلد 5 صفحه 342 وارد شده است که «ابو مالک اشعری» صحابی پیغمبر اکرم در وضو پایش را مسح می‌کشید.

در کتاب «تفسیر طبری» جلد 6 صفحه 175 و کتاب «عمدة القاری» جلد 2 صفحه 238 وارد شده است:

«وكان عكرمة يمسح رجله»

عكرمه پایش را مسح می‌کشید.

عمدة القاری شرح صحیح البخاری، اسم المؤلف: بدر الدین محمود بن أحمد العینی، دار النشر: دار إحياء التراث العربی - بیروت، ج 2، ص 238، باب النوع الثاني من النوع الخامس

از میان تابعین آقای «شعبی» متوفای 105 هجری و استاد «ابو حنیفه» هست که می‌نویسد:

«قال الشعبي: نزل جبرئيل بالمسح»

الكشف والبيان (تفسیر الثعلبی)، اسم المؤلف: أبو إسحاق أحمد بن محمد بن إبراهيم الثعلبی النيسابوری، دار النشر: دار إحياء التراث العربی - بیروت - لبنان - 1422 هـ - 2002 م، الطبعة: الأولى، تحقیق: الإمام أبي محمد

بن عاشور، ج 4، ص 28، باب المائة: (6) یا أيها

«حسن بصری» از فقهای تابعین متوفای 110 هجری به نقل «تفسیر ابن کثیر» جلد 2 صفحه 27 موقع وضو گرفتن پایش را مسح می‌کشید.

ما از بزرگان اهل سنت و شخصیت‌های برجسته موارد متعددی را نقل کردیم مبنی بر اینکه آن‌ها قائل به مسح پا هستند. تا جایی که آقای «عبدالرزاق صنعانی» استاد «بخاری» در کتاب «مصنف عبدالرزاق» جلد 1 صفحه 19 می‌گوید فردی به آقای «وراق» گفت:

«من کان یقول المسح علی الرجلین»

چه کسی گفته است ما باید پا را مسح بکشیم؟

«فقال فقهاء کثیر»

فقهای زیادی بر این عقیده هستند.

المصنف، اسم المؤلف: أبو بكر عبد الرزاق بن همام الصنعانی، دار النشر: المكتب الإسلامي - بیروت - 1403،

الطبعة: الثانية، تحقیق: حبيب الرحمن الأعظمی، ج 1، ص 19، ح 54

بنابراین با توجه به این؛ مسح پا در وضو در کتاب‌های معتبر اهل سنت، سیره و سنت پیغمبر اکرم و سیره صحابه کاملاً ثابت است و دیگر جایی ندارد که آقایان اهل سنت بگویند وضوی شیعه باطل است، زیرا در وضو گرفتن به جای شستن پا، پا را مسح می‌کنند.

در رابطه با قضیه شستن دست که آیا از انگشتان به سمت آرنج یا از آرنج به سمت انگشتان باشد، عرض کردیم در آیه شریفه:

(أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا قُمْتُمْ إِلَى الصَّلَاةِ فَاغْسِلُوا وُجُوهَكُمْ وَأَيْدِيَكُمْ إِلَى الْمَرَافِقِ)

ای کسانی که ایمان آورده‌اید هنگامی که برای نماز بپاخواستید صورت و دست‌ها را تا آرنج بشوئید.

## سوره مائده (5): آیه 6

(إِلَى) برای انتها نیامده است، بلکه (إِلَى) برای این است که محدوده شستشو را مشخص کند. زیرا اطلاق کلمه «ید» هم بر انگشتان است، هم به کف دست است، هم تا آرنج است و هم تا شانه است.

در این آیه، شارع مقدس محدوده شستشو را معین کرده است، حال این شستشو از پایین به بالا یا از بالا به پایین باشد بر عهده عرف است. ما در عرف هیچ موردی نداریم که عقلا و افراد، شیئی را از پایین به بالا بشویند.

ما مثال زدیم که وقتی پزشک دستور می‌دهد پایت را تا زانو با آب سرد بشوی، چنین نیست که بیمار پایش را از انگشتان پا و کف پا بشوید تا به زانوی خود برسد؛ بلکه از بالا به پایین می‌شوید.

زمانی که شما به نقاش می‌گویید: "دیوار خانه‌ام را از پایین تا سقف رنگ بزن"، نقاش نمی‌آید از پایین شروع کند با این حساب که شما سفارش کرده‌اید از پایین تا بالا رنگ بزن. شما تنها می‌خواهید بگویید ما سقف را نمی‌خواهیم و دیوار را از لبه گرفته تا سقف رنگ بزن!!

رنگ زدن از بالا به پایین است، شستشو از بالا به پایین است. ما در هیچ جای دنیا و از هیچ انسان عاقلی سراغ نداریم زمانی که می‌خواهند چیزی را بشویند از پایین به سمت بالا بشویند، مگر اینکه چیزی موضوعیت داشته باشد.

علاوه بر این گفتیم کلمه (إِلَى) در آیه به معنای انتها نیست، بلکه به معنای «مع» است. امری است که در عرف کاملاً شایع و رایج است. چیزی که در عرف شایع و رایج است، شارع اگر خلاف آن را بخواهد باید بیان کند.

از بالا به پایین شستن مسئله‌ای رایج در عرف است. اگر نظر شارع خلاف عرف باشد باید قید بزند که ابتدای شستن باید از انگشتان باشد و منتهی الیه شستن باید آرنج باشد، اما چنین چیزی نگفته است.

ما اقوال فقها را خواندیم و امروز هم خلاصه بندی آن را می‌آوریم. ما مشاهده کردیم عقیده عمده فقها و مفسرین اهل سنت بر این است که کلمه **(إِلَى)** در آیه شریفه به معنای «مع» هست. بنابراین اینکه انتها باشد بحث دیگری است و نیاز به دلیل دیگری دارد.

ما در این رابطه روایات اهل بیت را قرائت کردیم و گفتیم امام باقر (علیه السلام) زمانی که وضوی پیغمبر اکرم را نقل کرد، فرمودند:

**«فَعَسَلَ يَدَهُ الْيَمْنَى مِنَ الْمَرْفَقِ إِلَى الْأَصَابِعِ»**

پیامبر هنگام وضو گرفتن از آرنج شروع می‌کردند تا به انگشتان می‌رسیدند.

تهذیب الأحكام، نویسنده: طوسی، محمد بن الحسن، محقق / مصحح: خراسان، حسن الموسوی، ج 1، ص 56،

ح 7

روایتی از امام صادق (علیه السلام) نقل کردیم که صریحاً فرمودند **(إِلَى)** در آیه شریفه **(فَاغْسِلُوا وُجُوهَكُمْ وَ أَيْدِيَكُمْ إِلَى الْمَرَافِقِ)** برای انتها نیست و شستن دست از انگشتان به مرفق خلاف است. با صراحت فرمود:

**«فَقَالَ لَيْسَ هَكَذَا تَنْزِيلُهَا إِنَّمَا هِيَ فَاغْسِلُوا وُجُوهَكُمْ وَ أَيْدِيَكُمْ مِنَ الْمَرَافِقِ ثُمَّ أَمْرٌ يَدُهُ مِنْ مَرْفَقِهِ إِلَى أَصَابِعِهِ»**

الكافي، نویسنده: کلینی، محمد بن یعقوب، محقق / مصحح: غفاری علی اکبر و آخوندی، محمد، ج 3، ص 28، ح

5

همچنین روایتی از «علی بن رعب» از قول امام باقر (علیه السلام) نقل کردیم که در مصحف امیرالمؤمنین وارد شده است:

**«أَنَّ التَّنْزِيلَ فِي مُصْحَفِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ ع يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا قُمْتُمْ إِلَى الصَّلَاةِ فَاغْسِلُوا وُجُوهَكُمْ وَ أَيْدِيَكُمْ مِنَ**

**الْمَرَافِقِ»**



مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، نویسنده: نوری، حسین بن محمد تقی، محقق / مصحح: مؤسسة آل

البيت عليهم السلام، ج 1، ص 311، ح 697

و در روایت «صفوان» از امام کاظم (علیه السلام) وارد شده است که حضرت مشت آبی برداشتند، بر آرنجشان ریختند و از آرنج تا انگشتان را شستند؛

«سألت أبا الحسن الرضا ع عن قول الله (فَاغْسِلُوا وُجُوهَكُمْ وَأَيْدِيَكُمْ إِلَى الْمَرَافِقِ- وَامْسَحُوا بِرُءُوسِكُمْ وَأَرْجُلَكُمْ إِلَى الْكَعْبَيْنِ)»

از امام کاظم در مورد آیه شریفه: ای کسانی که ایمان آورده‌اید چون به عزم نماز برخیزید صورت و دست‌هایتان را تا آرنج بشویید و سر و پاهای خودتان را تا برآمدگی پیشین هر دو پا مسح کنید، پرسیده شد.

فرمودند:

«قال: هكذا أن يأخذ الماء بيده اليمنى فيصبه في اليسرى- ثم يفيضه على المرفق»

حضرت فرمود: همانند من بشویید و سپس آبی را گرفتند و دست راست و چپ خود را از مرفق به پایین ریختند و بقیه را مسح کشیدند.

«ثم يمسح إلى الكف»

سپس شستند تا به کف دست برسد.

«قلت له: مرة واحدة»

پرسیدم: آیا یک مرتبه دستمان را بشوییم؟!

«فقال: كان يفعل ذلك مرتين»

حضرت فرمودند: پدرم امام کاظم دو مرتبه می‌شستند.

تفسیر العیاشی، نویسنده: عیاشی، محمد بن مسعود، محقق / مصحح: رسولی محلاتی، سید هاشم، ج 1، ص

300، ح 54

این روایت همچنین در کتاب «مستدرک الوسائل» هم وارد شده است. ما این چند روایت را از ائمه اهلبیت (سلام الله علیهم اجمعین) خواندیم.

پس از آن نظر فقهای شیعه از قبیل: «علامه حلی»، «شیخ طوسی»، «ابن ادیس» و دیگران را خواندیم مبنی بر اینکه همه اتفاق نظر و اجماع دارند که شستشو باید از مرفق شروع شود تا به انگشتان تمام شود.

مفصل‌ترین مطلبی که ما عرض کردیم از مرحوم آیت الله العظمی خوئی (رضوان الله تعالی علیه) بود. چند نکته ظریف در فرمایش ایشان بود و لذا ما فرمایش ایشان را گزینش کردیم.

اولین نکته ای که ایشان بیان می‌دارند این است که در روایات اهل بیت که به جای (إِلَى المرافق)؛ «فَاعْسِلُوا وُجُوهَكُمْ وَأَيْدِيَكُمْ مِنَ المَرَافِقِ» معنا شده است:

«و هذا لا بمعنى أنها مستعملة فيه، لأنه استعمال غير معهود»

این به این معنا نیست که کلمه (إِلَى) در "من" استعمال شده است.

«بل بمعنى أن المراد الجدى منها هو ذلك»

بلکه به این معناست که اراده جدی از این (إِلَى) کلمه «من» هست.

در اینجا استعمال نیست؛ میان استعمال یک شیء در معنا که احتیاج به وضع واضح دارد و استعمال یک لفظ در معنایی که مستعمل اراده می‌کند تفاوت وجود دارد. اراده جدی شارع مقدس از **(إِلَى المَرَاقِقِ)** همان «من المَرَاقِقِ» است.

ایشان در ادامه همان روایت امام صادق و روایت «هیثم» را بیان کردند، قضیه روایت «علی بن یقظین»، وضوی پیغمبر اکرم را خواندند و در نهایت گفتند: از این روایات استفاده می‌شود که «من المَرَاقِقِ» صحیح است. در اینجا **(إِلَى)** به معنای «من» اراده شده است، نه «من» استعمال شده باشد.

ایشان می‌نویسند: روایاتی که ما از ائمه اطهار نقل کردیم که شستشو باید از مرفق باشد، منافاتی با آیه ندارد که **(إِلَى)** آمده است. زیرا کلمه **(إِلَى)** در اینجا به این معنا است که می‌خواهد منتها الیه و محدوده غسل را برای ما معین کند.

ایشان در مورد اینکه: "مغسول واجب کجاست"، می‌نویسند: مغسول واجب بین انگشتان و آرنج می‌باشد. حال در مورد اینکه باید از آرنج شروع شود یا از انگشت شروع شود در حقیقت به تشخیص عرف محوّل شده است. شارع مقدس کلمه **(إِلَى المَرَاقِقِ)** را آورده است، زیرا «ید» استعمال می‌شود و معانی متعدد اراده می‌شود، شارع خواسته است معنای خاصی از «ید» را اراده کند. ایشان سپس می‌نویسند: «ید» استعمال شده و «اصابع» یا کف دست اراده شده است. همانطور که آیه سرقت می‌فرماید:

**(وَالسَّارِقُ وَالسَّارِقَةُ فَاقْطَعُوا أَيْدِيَهُمَا جِزَاءَ بِمَا كَسَبَا نَكَالًا مِّنَ اللَّهِ)**

و مرد و زن دزد را به سزای آنچه کرده‌اند دستشان را به عنوان کیفری از جانب خدا ببرید.

سوره مائده (6): آیه 38

در (فَاقْطَعُوا أَيْدِيَهُمَا)، (أَيْدٍ) گفته شده است، اما انگشتان اراده شده است. در آیه دیگر «ید» گفته شده، اما کف دست اراده شده همچنان که می‌فرماید:

**فَتَيْمَّمُوا ضَعِيداً طَيِّباً فَاَمْسَحُوا بِوُجُوهِكُمْ وَأَيْدِيكُمْ**

تیمم کنید، به این طریق که صورت‌ها و دست‌ها را با آن مسح کنید.

**سوره نساء (4): آیه 43**

در اینجا (أَيْدٍ) به معنای کف اراده شده است. یکدفعه آمده (أَيْدٍ) گفته شده و مرفق اراده شده است همانند آیه وضو که می‌فرماید: (وَأَيْدِيكُمْ إِلَى الْمَرَافِقِ). در اینجا کلمه «ید» استعمال شده است، اما از انگشتان تا آرنج اراده شده است و از مرفق تا منکب خارج است.

معمولاً در برخی موارد در عرف هنگامی که «ید» گفته می‌شود، تمام «ید» استعمال می‌شود؛ فلانی می‌گوید: "دستم خوابیده است"، "دست فلانی شل شده است"، "دست فلانی گیر ندارد". در اینجا زمانی که کلمه «ید» در عرف می‌آید، معمولاً تمام دست از منکب تا انگشت آمده است.

ایشان می‌گویند: یا چنین است و یا اینکه اصلاً به طور کلی برنامه به این شکل هست که آیه شریفه (إِلَى الْمَرَافِقِ) ظهور در غایت و انتها ندارد.

اگر کسی بگوید من می‌خواهم از آیه استفاده کنم حتماً باید مبدأ شستشو از انگشتان و منتهای شستشو آرنج باشد، آیه شریفه ظهور در این ندارد. با توجه به اینکه (إِلَى) به معنای «مع» هم استعمال می‌شود با آیاتی که خوانده شد. سپس آقای «خوئی» تعبیر زیبایی دارند و می‌گویند:

**«و العامة أيضاً لم يدعوا رجوع الغاية إلى الغسل و إنما يدعون أن الغاية غاية للمغسول»**

علمای اهل سنت هم استدلال نکرده‌اند که کلمه (إِلَى) در اینجا برای منتهی الیه شستشو است.

«و قد استدلوا على مسلکهم أَعْنَى جواز الغسل منكوساً بإطلاق الأمر بالغسل في الآية المباركة»

علمای اهل سنت استدلال کرده اند آیه شریفه که می فرماید: این منطقه را بشویید. اطلاق دارد. و در مورد اینکه شستن باید از انگشتان باشد یا از مرفق باشد، آیه ساکت است.

«و أن مقتضى إطلاقه جواز غسل اليد من الأصابع إلى المرفق»

مقتضای اطلاق آیه این است که از اصابع به طرف آرنج شستن هم جایز است.

کتاب الطهارة، نویسنده: السید الخوئی، ج 4، ص 95، پ 1

ما زمانی که نظر فقهای اهل سنت را هم خواندیم، مشاهده نکردیم یک نفر از آقایان استدلال کنند که کلمه (إِلَى) برای غایت هست. یعنی از آیه استفاده کنند که خداوند دستور داده است آغاز وضو از انگشت و پایان شستشو مرفق باشد. بلکه عمدتاً دعوای بیشتر سر این بود که آیا مرفق هم داخل شستشو هست یا داخل شستشو نیست.

آقای «خوئی» بحث بسیار شیرینی دارد، دوستان مراجعه کنند. هرآنچه «مرحوم صاحب حدائق»، «صاحب ریاض»، «صاحب کشف اللسان»، «علامه»، «مرحوم شهید ثانی» و «محقق اردبیلی» دارند، آقای «خوئی» عصاره فرمایشات گذشته را در این دو سه صفحه بیان کرده است.

ما این مطالب را از قول علمای شیعه خواندیم. ما سه چهار مورد از فقهای اهل سنت هم آوردیم. «ابن قدامه مقدسی» یکی از فقهای نامی حنابله استدلال کرده که مرفق داخل در محدوده غسل است و گفته است که:

«فَإِنَّ "إِلَى" تُسْتَعْمَلُ بِمَعْنَى مَعٍ»

پس کلمه (إِلَى) به معنای «مع» استفاده می شود.

«قَالَ اللَّهُ تَعَالَى: { وَيَزِدْكُمْ قُوَّةً إِلَى قُوَّتِكُمْ } . أَي مَعَ قُوَّتِكُمْ، { وَلَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَهُمْ إِلَى أَمْوَالِكُمْ }، وَ { مَنْ أَنْصَارِي إِلَى اللَّهِ } أَي مَعَ اللَّهِ»

المغنى، المؤلف: أبو محمد موفق الدين عبد الله بن أحمد بن محمد، الشهير بابن قدامة المقدسى (المتوفى: 620 هـ)، ج 1، ص 211، ش 160

این هم سخن آقای «ابن قدامة مقدسی» است که به صراحت بیان می‌کند (إِلَى) در آیه وضو، به معنای «مع» می‌باشد.

«ابن حزم اندلسی» هم به صراحت می‌گوید: کلمه (إِلَى) در لغت عرب هم برای انتهاست هم به معنای «مع» است. اگر کسی بگوید در آیه به معنای (إِلَى) هست نه به معنای «مع»، در حقیقت تخصیص زده است؛

«لِمَا تَقَعُ عَلَيْهِ بِلَا بُرْهَانٍ»

المحلى، اسم المؤلف: على بن أحمد بن سعيد بن حزم الظاهري أبو محمد، دار النشر: دار الآفاق الجديدة - بيروت، تحقيق: لجنة إحياء التراث العربى، ج 2، ص 52، ش 198

معنایی که در دو لفظ بالسویه استعمال می‌شود، آمده در یک معنای خاص بدون دلیل استعمال کرده است. بنابراین کلمه (إِلَى) هم به معنای غایت و هم به معنای «مع» است. «ابن حجر عسقلانی» یکی از فقهای نامی اهل سنت از «اسحاق بن راهویه» نقل می‌کند:

«إلى فى الآية يحتمل أن تكون بمعنى الغايه وأن تكون بمعنى مع»

در آیه وضو کلمه (إِلَى) هم صلاحیت دارد به معنای غایت باشد هم به معنای «مع» باشد.

«فبينت السنة أنها بمعنى مع»

سنت پیغمبر اکرم تفسیر کرده در آیه به معنای «مع» هست، نه به معنای (إِلَى).

فتح الباری شرح صحیح البخاری، اسم المؤلف: أحمد بن علی بن حجر أبو الفضل العسقلانی الشافعی، دار

النشر: دار المعرفة - بیروت، تحقیق: محب الدین الخطیب، ج 1، ص 292، ح 183

«نووی» یکی از فقهای بزرگ شافعی هم می‌گوید:

«فقال طائفة من المتأخرين إن إلى هنا بمعنى مع، كقوله تعالى " من أنصاري إلى الله "»

طایفه‌ای از فقهای متأخرین گفته‌اند: در این آیه (إِلَى) به معنای «مع» است، همانطور که در آیه (مَنْ أَنْصَارِي

إِلَى اللَّهِ) به این معناست.

المجموع شرح المذهب، المؤلف: أبو زكريا محيي الدين يحيى بن شرف النووي (المتوفى: 676 هـ)، ج 18، ص

109، باب جامع الايمان

ایشان همچنین می‌گوید:

«ان جماعة من اهل اللغة منهم أبو العباس ثعلب واخرون قالوا إلى بمعنى مع»

گروهی از اهل لغت همانند ابو العباس، ثعلب و دیگران گفته‌اند: (إِلَى) در آیه وضو به معنای «مع» است.

المجموع شرح المذهب، المؤلف: أبو زكريا محيي الدين يحيى بن شرف النووي (المتوفى: 676 هـ)، ج 1، ص

386، باب السواك

آقای «محمد بن احمد شربینی» یکی از فقهای بزرگ اهل سنت متوفای 977 هجری هم می‌گوید:

«وإلى بمعنى مع»

(إِلَى) به معنای «مع» است.

الإقناع في حل ألفاظ أبي شجاع، محمد الشربيني الخطيب، تحقيق مكتب البحوث والدراسات - دار الفكر، الناشر  
دار الفكر، سنة النشر 1415، مكان النشر بيروت، ج 1، ص 43

آقای «بیضاوی» در کتاب «تفسیر» خود جلد 2 صفحه 299 هم می‌گوید: جمهور بر این است که مرفق در داخل  
محدوده غسل هست؛

«ولذلك قيل إلى بمعنى مع»

لذا گفته شده (إلى) به معنای «مع» هست.

تفسیر البیضاوی، اسم المؤلف: البیضاوی، دار النشر: دار الفكر - بیروت، ج 2، ص 299، باب المائدة: (6) یا أيها  
الذين... ..

آقای «فخر رازی» در کتاب «تفسیر» خود جلد 8 صفحه 55 می‌گوید:

«قال الأكثرون من أهل اللغة إلى ههنا بمعنى مع»

«اکثر علمای اهل لغت معتقدند (إلى) در این آیه به معنای «مع» است.

التفسير الكبير أو مفاتيح الغيب، اسم المؤلف: فخر الدين محمد بن عمر التميمي الرازي الشافعي، دار النشر:  
دار الكتب العلمية - بيروت - 1421 هـ - 2000 م، الطبعة: الأولى، ج 8، ص 55، المسألة الأولى

یعنی:

«فَاغْسِلُوا وُجُوهَكُمْ وَأَيْدِيَكُمْ مَعَ الْمَرْفِقِ»

دستتان را با مرفق بشویید.



و همچنین «آلوسی» در کتاب «تفسیر» خود جلد 6 صفحه 70 همین تعبیر را دارد. آقای «عبدالکریم رافعی شامی» متوفای 723 هجری در کتاب «فتح العزیز» جلد 1 صفحه 347 همین تعبیر را دارد.

بنابراین معلوم شد هیچ یک از فقهای اهل سنت از عبارت (إِلَى المرافق) استفاده نکردند که کلمه (إِلَى) به معنای انتها است و باید شستشو از انگشتان صورت بگیرد تا به مرفق برسد، بلکه اهل سنت عمدتاً می‌گویند: (إِلَى) در آیه به معنای «مع» هست.

علمای اهل سنت همانطور که آقای «خوئی» معتقد بود، می‌گویند: اطلاق آیه هر دو را داراست و ما می‌خواهیم از این طرف شروع کنیم. اگر آنها بخواهند از آن طرف شروع کنند، خود دانند!!

ما تابع اهل بیت هستیم، اهل بیت (علیهم السلام) عدل قرآن هستند و آنها رسماً اعلام کردند که شستن منکوس در وضو یعنی از انگشت تا مرفق باطل است، در نتیجه نمازش هم باطل است. این نظر اهل بیت (علیهم السلام) است و ما هم موظف هستیم از اهل بیت تبعیت کنیم.

«هذا خلاصة الكلام في قضية الوضوء و المسح على الرجلين و كيفية غسل اليدين و المرافق»

والسلام عليكم و رحمة الله و بركاته